

مبادی سیاست صنعتی دولت خلافت



از اصدارات حزب التحرير

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مبادی سیاست صنعتی دولت خلافت

این تحقیق در عمان پایتخت اردن و در مرکز تحقیقی «عبدالحمید شومان» ارایه شده است.

نشر اول - عربی

۲۸ صفر ۱۴۱۱ هـ.ق - ۱۸ سپتمبر ۱۹۹۰ م

چاپ اول - دری

۱۳۹۶ هـ.ش - ۲۰۱۷ م

نشرات امت

کابل - افغانستان

info@hizb-afghanistan.com

www.hizb-afghanistan.com

www.hizb-ut-tahrir.info

www.qeyaam.com

بسم الله الرحمن الرحيم

از آنجایی که الله سبحانه و تعالی انسان را خلق نمود و نیز انسان موجودیت خود را در روی زمین دریافت، در صدد اشباع حاجاتش با اشیایی که در محیط و ماحول وی قرار داشت برآمد. از ابتدا انسان تلاش نمود تا برای حفظ امنیت، حاکمیت و بقای خود چه در حالت هجوم و چه در حالت دفاع از ابزار اولیه، استفاده نماید. چنان که انسان از بدوی پیدایش خود زمانی که در مغاره‌ها زندگی می‌کرد و از میوه‌های درختان استفاده می‌نمود و از آب‌های چاه‌ها، چشمه‌ها و شاخه‌ها نوشیده، با برگ و شاخچه‌های درختان خود را می‌پوشانید، تا این که رفته رفته زندگی اش پیشرفت کرد و حاجات اش متنوع شد و نیز تجربه‌هایش نظر به پیشرفت زندگی وی بیشتر شد.

به بگونه که به بهترین مواد اولیه‌ای که در زمین قرار داشت توجه نمود. به همین خاطر در کوشش استعمال سنگ، خاک و چوب برای ساختن مسکن خوب برای خود برآمد. چنان چه به استفاده بعضی از اسباب و وسایل تیز از سنگ و چوب برای ساختن سلاح برای دفاع خود پرداخت. همین گونه برای بهبود و کوشش مواد اولیه جهت رسیدن به اهداف خود زندگی خود را ادامه داد.

با استفاده از معلومات سابقه نزد انسان پیرامون واقعیت، ماحول و انتقال آن توسط حواس به دماغ و ارتباط تمام این‌ها با یکدیگر انسان توانایی این را دریافت که در استخدام و به کار گیری مواد اولیه به بگونه‌ای درست و تغییر آن از یک حالت به حالت دیگر، پیشرفت نماید. بناً با دقت و توجه زیاد ابتدا به زراعت آشنایی پیدا نمود و پس از آن به شمارش و حساب دست یافت، سپس بجای جمع آوری حبوبات، درختان و میوه‌جات آغاز به تولید غذا در

حد نیاز و حتی فراتر از نیازش نمود. هم‌چنان صنعت نجاری و چوب را برای دریافت این‌که چوب وسیله‌ای لازمی برای سقف خانه و شعله‌ور ساختن آتش برای گرما است، پی برد. بعدها از این هم کرده پیشرفت نمود و چوب را نه تنها برای استفاده آتش بل آن را به حیث سلاح نیز استفاده می‌کردند. به همین شکل صنعت نساجی، بافندگی و استعمال البسه و پوشاک را با استفاه از پشم، کتان، پنبه، موی بز، و پشم گوسفند و شتر یاد گرفت. سپس ساخت و ساز معماری، مجسمه سازی، تزئینات کاخ‌ها، قلعه‌ها، بناها، و ساخت وساز سدها و موانع و هم‌چنان صنعت پُخته‌سازی گل (خاک) و گچ را یاد گرفته و از آن برای ساختمان‌ها و جایگزین آن‌ها در مکان‌هایی که حمل و نقل خاک و سنگ بیشتر است، کار گرفت. با پیشرفت زندگی و وسعت تجارب انسان و حاجات وی نیاز به معادن پیدا شد. بناً معادن را استخراج کرده و آن را در امور زندگی خود چه امور جنگی، زراعتی و ساختمانی جهت مرفوع ساختن حاجات اش در تمام امور بکار بست، و نیز تلاش نمود تا این معادن را به اشیای مفید تبدیل نموده گسترش دهد.

با توجه به این، انسان در اوائل نخستین چیزی را که به آن معرفت حاصل نمود آن فلز (آهن) بود، و این را دریافت که چگونه «آهن» خام را از معادن استخراج کرده و آن را به شکل اولیه در آتش ذوب سازد. چنان‌که فلز را در کوره گذاشته و آتش را به مقداری که قابل ذوب باشد روشن کرد و از آهن ابزار مورد نیاز اش را برآورده ساخت. با استفاده از این روش به ساختن شمشیر، نیزه، سپر و سایر سلاح‌های دیگر پرداخت. بر علاوه از آهن برای استخراج آب از چاه‌ها و ساختن وسایل کاری همچو قله کردن زمین توسط دهاقین و یا هر آله مورد نیاز دیگر، استفاده می‌کردند. پس از آهن، صنعت مس، برونز، سرب، طلا، نقره و سایر سنگ‌های قیمتی و نیز صنعت شیشه، کاغذ و چرم‌گری رواج یافت.

با توجه به این، انسان در ابتدا با استفاده از ابزارهای سنگی، معدنی و فلزی پیشرفت نمود، و در تمام این مراحل به نظر می‌خورد که تغییراتی قابل ملاحظه‌ای را بوجود آوردند.

بنابراین انسان در تمام دوره‌های تاریخ با استفاده از صنعت مواد اولیه و تبدیل نمودن آن به اشکال مختلف و پیشرفته جهت بهبود شرایط زندگی‌اش در کل برای بهره‌برداری دو عامل استفاده نمود:

اول: اشباع حاجات عضوی

دوم: حفظ امنیت، بقا و سیادت در حالات جنگی

این دو از ابتدا به ویژه پس از آن‌که انسان‌ها زندگی اجتماعی پیشرفته‌ای را شناختند از جمله مهم‌ترین عوامل بودند که استفاده از صنعت و گسترش آن بیشتر مورد توجه قرار گرفت؛ تاجایی که حتی دولت‌ها برای کنترل و تداوم جوامع خود آنچه که سد راه حاجات، حفظ امنیت، حاکمیت و بقای شان واقع می‌شد بخاطر صنعت خاص در میان خود به رقابت می‌پرداختند، رقابتی که موجودیت آن را تداوم می‌بخشید، و این روش بعدها به جوامع و دولت‌های دیگر نیز منتقل کرد.

با توجه به این، رقابت صنعتی بخاطر همین دو عامل عمده میان دولت‌ها و قدرت‌ها صورت می‌گرفت. این دو عامل در اوج قدرت میان دولت‌های بزرگ در طول تاریخ به ویژه از بدوی پیدایش دولت اول در جهان به چشم می‌خورد، چنانچه میان امپراتوری فارس و روم رقابت شدید وجود داشت، و پس از شکل‌گیری نخستین دولت اسلامی در مدینه توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم، این دو قدرت بزرگ جهانی عصر رقابت گسترده‌ای را علیه مسلمانان به راه انداختند. قرن‌ها بعد در اروپا میان انگلستان، فرانسه، آلمان، روسیه و خلافت عثمانی رقابت‌های گسترده‌ای به میان آمد، تا این‌که منجر به جنگ جهانی اول شد. پس از آن میان آلمان، انگلستان، فرانسه و امریکا رقابت‌های شدید آغاز گردید که منجر به جنگ جهانی دوم شد.

این عوامل مهم در رقابت صنعتی بر اساس مهارت فکری و بدنی استوار بود، و اما ابزار آخری و آلات ساده عامل دوم بودند. دقیقاً انسان با استفاده از منابع اولیه و بهره‌گیری از

آن؛ مانند: چوب، تخته و نیز ذوب آهن و فلزات با کوشش و تلاش جسمی این کار را الی آخر قرن ۱۸ و آغاز قرن نوزدهم ادامه داد، یعنی تا زمانی که منبع جدید انرژی که همانان بخار بود کشف گردید. این پیشرفت سریع تنها در بخش صنعت بود که اتفاق افتاد. در ابتدا کارخانه‌جات محدود و بشکل دستی و ابتدایی بودند، زمانی که انسان نسبت به استخدام و بکار گرفتن بخار در ساده کردن وسایل به پیشرفت دست یافت، کارخانه‌جات جدید جای کارخانه‌جات دستی را گرفت، و با آمدن این اختراعات مدرن، انقلاب خطرناکی در بخش صنعت رخ داد، چنان‌چه تولید به اندازه افزایش یافت که هرگز کسی تصور آن را نمی‌کرد و صنایع خودکار یکی از پایه‌های زندگی اقتصادی بشر قرار گرفت.

از آنجایی که انرژی ستون فقرات صنعت به حساب می‌رود، انسان‌ها همیشه در تلاش این بوده‌اند که از منبع انرژی بگونه‌ای زیاد و آسان استفاده نمایند. چنان‌که نخستین چیزی که انسان از آن استفاده به عمل آورد منابع انرژی نظیر چوب، آتش و گیاه بود که بعداً ذغال سنگ را توسط قوه بخار به انرژی تبدیل کردند که از آن نتیجه مثمیری بدست آوردند. با ادامه این روند ذغال سنگ منبع کلیدی انرژی تا اوایل نیمه قرن بیستم قرار گرفت. سپس «نفت» جای ذغال سنگ را پر نمود. در نیمه دهه شصت نفت منبع اصلی انرژی در جهان تبدیل شد و ذغال سنگ در رتبه دوم قرار گرفت. به دنبال آن گاز طبیعی بزرگ‌ترین کمک در انرژی جهان جایگاه پیدا نمود.

از این بابت ذغال سنگ نسبت به انرژی جهانی در سال ۱۹۳۸م به ۷۳ درصد می‌رسید که در سال ۱۹۵۰م به ۵۹ درصد کاهش یافت. پس از آن در سال ۱۹۶۵ به ۴۰ درصد پائین آمد. در این زمان نفت به ۴۴ درصد بالا رفت، و بر عکس ذغال سنگ به شکل نزولی پائین آمده تا این که در سال ۱۹۷۴م به ۲٫۲۸ درصد رسید.

در جریان جنگ دوم جهانی و پس از آن، منبع جدیدی بروز نمود که همانا انرژی هسته‌یی می‌باشد. دولت‌های متخاصم و در حال جنگ با یکدیگر با تمام توان سرگرم کشف راز و رمز

نیروی هسته‌یی شدند تا آن‌که این پدیدهٔ گول‌پیکر و متمرد از بندش رها شد. از آن زمان به بعد صنعت هسته‌یی پیوسته و با جدیت تمام در حال پیشرفت است. هرچند بیشترین توجه و تمرکز روی تولید انرژی هسته‌یی صورت می‌گیرد؛ چنان‌چه انرژی موجود در یک کیلوگرام یورانیوم برابر است با انرژی که از سوخت سه میلیون کیلوگرام ذغال سنگ به دست می‌آید! با وجود آنهم انرژی هسته‌یی ۱۰ درصد نیاز کشورهای صنعتی را برآورده نمی‌کند. بنابر این نفت، ذغال سنگ و گاز طبیعی در حال حاضر، اساسی‌ترین منابع انرژی را تشکیل می‌دهند. میزان توزیع منابع انرژی کاربردی در حال حاضر (۱۹۹۰) قرار ذیل می‌باشد:

نفت ۵۰ درصد، ذغال سنگ ۲۰ درصد، گاز طبیعی ۲۰ درصد، و اما سایر انرژی‌ها به شمول انرژی هسته‌یی ۱۰ درصد است.

دولت‌ها از این منبع جدید انرژی در صنعت‌های جنگی و صلح آمیز جهت تولید محصولات و ابزارهای جنگی بخاطر پوشش دو عامل مذکور قبلاً بهره برداری کردند: اشباع حاجات، حفظ امنیت و بقای حاکمیت. این دولت‌ها در میان همدیگر برای حفظ و انحصار صنعت تا دیگر دولت‌ها نتوانند از آن مستفید شوند جهت تحقق دو عامل مذکور به رقابت می‌پرداختند، و تعدادی کثیری از این کشورها توانای این را پیدا کردند که صنایع سنگین (ثقیله) و ماشین‌آلات جنگی را عرضه کنند.

از آنجایی که مفکوره سرمایه داری در میان این دولت‌ها برجسته است، آن‌ها برای حفظ پیشرفت صنعتی کوشش کردند که آن را در دست خود داشته‌باشند، و از دولت‌های که خواهان صنعتی شدن هستند جلوگیری کرده آن‌ها را از ساختن ابزار جنگی پیشرفته ممانعت کنند. کشورهای فوق برای این که معادل شان سایر کشورهای جهان سوم نرسند، سیاست‌های خبیثانه‌ای را در پیش گرفتند. آن‌ها با استفاده از اسالیب مکارانه بگونه مستقیم و غیر مستقیم در صنایع خود هیچ درز را برای دخول در جمله کشورهای صنعتی شدن نگذاشته‌اند و دولت‌های دیگر را در دام دشوار قرار داده و به گونه‌ای روش‌ها و اسالیبی را ترسیم کردند که

پیشرف و صنعتی شدن یک امر مستحیل و ناممکن باشد؛ البته تا زمانی که بر روش آن‌ها سیر صنعتی شدن ادامه داشته باشد!

با توجه به این، چگونه ممکن است یک دولت-غیر از این دولت‌ها غربی- بتواند در عرصهٔ صنعت پیشرفت داشته باشد و چگونه بتواند از شر دام‌ها و روش‌های ویرانگر آن‌ها برای جلوگیری از رشد صنعتی سایر دولت‌ها خود را نجات داد؟

برای سیاست صنعتی مبتنی بر صنعتی کردن کشورهای عقب نگه‌داشته شده تنها یک راه وجود دارد و آن اینست که در نخست صنعت تولید ماشین‌آلات و لوازم صنعتی فراهم گردد، سپس به وسیله آن سایر صنعت‌ها راه اندازی شود. به این معنی که پیش از هر کاری باید نخست به ساخت و تجهیز کارخانه‌جاتی اقدام شود که ابزار و ماشین‌آلات در آن‌ها تولید می‌گردد؛ مانند: ماشین‌آلات موتر و سایر امکانات دیگر؛ سپس بعد از فراهم کردن این‌ها با استفاده از آن به ساخت و تولید سایر صنایع سنگین اقدام شود.

باید در نظر داشت که برای صنعتی کردن سرزمین‌های مان هیچ طریقهٔ دیگر وجود ندارد به جز از این‌که در ابتدا و قبل از هر کاری صنعت تولید ابزار و ماشین‌آلات صنعتی را ایجاد سازیم و گام دوم این‌که هیچ صنعتی را راه اندازی نسازیم مگر با ابزار و ماشین‌آلاتی که در سرزمین‌های خود مان ساخته شده‌اند.

و اما این سخن که گویا ساخت صنعت تولید ابزار و ماشین‌آلات نیاز به وقت زیاد دارد و ناچار باید به تولید صنعت نیازهای اولیه پردازیم، سخنی است نادرست و حتی دسیسه‌یی است که هدف از آن به تأخیر انداختن صنعتی سازی می‌باشد تا سرزمین‌های سرشار از منابع طبیعی اسلامی به صنعت‌های استهلاکی روی آورده و مانند گذشته بازار تولیدات امریکا و اروپا باقی بماند.

هم‌چنین این سخن که گویا صنعت تولید ابزار و ماشین‌آلات نیاز به فراهم آوری کدر صنعتی، اعم از انجینیران و کارمندان حرفه‌یی دارد نیز سخنی است که هدف از آن گمراه

کردن و به مغالطه انداختن مسلمانان می‌باشد؛ زیرا استخدام دانشمندان از سایر دولت‌ها و نیز فرستادن تعداد زیاد از نسل جوان به سایر کشورها جهت فراگیری صنعت سنگین و سایر مسایل و صنایع دیگر در اولویت قرار داده شده تلاش و امکانات گسترده‌ای به آن اختصاص داده شود تا بدین طریق بتوانیم به پیشرفت صنعت در سرزمین‌های اسلامی دست یابیم.

بنابراین درست نیست که توجه به سیاست‌های صورت گیرد- که ما با این همه امکانات- از صنایع استهلاکی قدرت‌های غربی آنهم منحصر به یک صنعت باشد بگونه تقلیدی و کورکورانه استفاده نمایم.

با توجه به این هیچ راه علاج و پیشرفت برای صنعتی کردن سرزمین‌های که هر ازگاهی عقب مانده نگهداشته شده وجود ندارد، جز انقلاب صنعتی. این انقلاب توأم با بدست گرفتن زمام امور صنعت از منبع اصلی آن می‌باشد که توسط عمل انقلابی (شبیبه به کودتا) صورت می‌گیرد. در این جا تأکید باید کرد که قبل از مشغول شدن به هر گونه صنعتی سازی باید زمام امور اساسی را در دست گرفت. به دنبال آن کوشش‌های جدی برای توسعه و پیشرفت اقتصادی به شکل موجه جهت تولید ماشین‌آلات و ابزار صورت گیرد.

در واقع اگر دیده شود یگانه چیزی که انقلاب صنعتی را ثابت می‌سازد، چنان‌که کشورهای اروپایی زمانی به انقلاب صنعتی دست یافتند که ماشین‌آلات را جهت تولید صنایع بوجود آوردند. هم‌چنان ایالات متحده امریکا از جمله کشورهاییست که سایر دولت‌های دیگر را مستعمره خود قرار داده، با آنهم صنعتی سازی آن توسط ماشین‌آلات باعث شده که به انقلاب صنعتی پیشرفته دست یابد. به همین شکل روسیه به عنوان دولت قدرت‌مند به پای خود ایستاد نشده مگر بعد از رسیدن به انقلاب صنعتی و بوجود آوردن امکانات نظامی.

دولتی که صنعت تولید ماشین‌آلات در آن وجود نداشته باشد، قطعاً به سایر دولت‌های دیگر که صنعت و ماشین‌آلات را در اختیار دارند، محتاج خواهد بود. چنان‌که نبود صنعت، ماشین‌آلات و ابزار سنگین دولت را ناتوان ساخته و سایر پایه‌های اساسی دولت را متزلزل

می‌سازد. دولت‌ها باید در پهلوی این‌که دست به صنعتی سازی گسترده بزنند هم‌چنان در توسعه صنعت جدید نیز پیش دستی نمایند؛ این مسئله به ویژه در زمان بروز دشمنی میان دولتی که این امکانات را در اختیار دارد و دولت وارد کننده ماشین‌آلات جنگی مورد نیاز، خطر جدی را بوجود می‌آورد، زیرا امنیت و حاکمیت دولت وارد کننده را با خطر نابودی مواجه می‌کند. اما دولت‌هایی که همیشه وارد کننده‌اند، به ویژه کشورهای عقب‌مانده، در هر زمانی نیازمند کمک‌های بیگانه‌گان از جمله قدرت‌های غربی می‌باشند. احتمالاً در چنین شرایط دولتی که خودش صنایع مورد نیاز اش را برآورده نتواند و یا تولید تمام وسایل سنگینی را که برای حفظ کیان و بقا اش وابسته است نتواند فراهم سازد، در آن صورت هر گونه تهدید می‌تواند آن را نابود سازد.

با توجه به این هر دولت می‌خواهد تقویت توان خود را بر اساس صنعت بنا نموده درین مسیر پیشرفت کند؛ این سیاست میسر نخواهد شد مگر با راه اندازی انقلاب صنعتی که بر اساس آن صنایع مورد نیاز به درستی فراهم شده قوت و توان دولت مستحکم می‌گردد. بدین ترتیب می‌توان انقلاب صنعتی درست و شگوف را ایجاد نمود.

این به نسبت هر دولت و یا هر ملت بود، اما در رابطه به مسلمانان و دولت خلافت برمنهج نبوت که عنقریب به خواست الله سبحانه و تعالی برپا خواهد شد باید گفت که این امر واجب و دارای شأن عظیم است، زیرا ایجاد و پیشرفت صنایع سنگین از واجب شرعی بوده که بالای دولت اسلامی و مسلمانان فرض می‌باشد؛ فرضی که باید انجام شود، و در عدم انجام آن هیچ اختیاری نبوده مگر عقوبت و عذاب. دلایل معتبر آن را می‌توان چنین بیان کرد:

۱- در عدم موجودیت صنایع سنگین و کارخانه‌جاتی که در سرزمین‌های اسلامی وجود دارند مسلمانان و حاکمیت آن‌ها در هر شرایطی-به ویژه در شرایط جنگ و تهدید- نیازمند کمک‌های بیگانه‌گان خواهد بود. چنان‌چه در شرایط کنونی و در نبود حاکمیت اسلامی

چنین است. لذا تا زمانی که صنایع مورد نیاز دولت مطابق آنچه که در عصر حاضر بدست استعمارگران در سرزمین‌های اسلامی استخراج و مورد استفاده قرار می‌گیرد، توقف داده نشود، به صورت همیشگی در برابر هر نوع تهدید بر بیگانه‌گان محتاج خواهیم بود.

هرچند ایستادگی در برابر وضعیت کنونی در کوتاه مدت اضرار اش متوجه ما خواهد بود، ولی آنچه که می‌توان آن را فواید دایمی عنوان نمود، بیرون شدن از روند کنونی هست که استعمارگران با استفاده از امکانات مسلمانان بر پیشرفت خود و عقب مانی سرزمین‌های اسلامی متوسل شده‌اند. با این انقلاب می‌توان صفحه جدیدی از بیداری صنعتی را بوجود آورد.

بنابر عدم توجه به صنعت سازی نزد مسلمانان و حتی سایر ملت‌هایی که استعمار آن‌ها را مورد تجاوز قرار داده‌است، از وابستگی دایمی نجات نخواهند یافت؛ آنچه که در شرایط کنونی بسیاری از گروه‌های اسلامی بدون در نظر داشت این روند، دست به انقلاباتی مختلف زدند، سرانجام بر تسلط و حاکمیت کفار و بیگانه‌گان بر سرزمین‌های اسلامی انجامید. این در حالیست که الله سبحانه و تعالی تسلط و حاکمیت کفار بر مسلمانان را حرام قرار داده می‌فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [نساء: ۱۴۱]

الله سبحانه و تعالی هرگز برای کافران راهی به (زیان) مؤمنان قرار نداده‌است.

بدون شک جهاد بلندترین قله‌ای اسلام بوده و یگانه طریقهٔ اساسی برای نشر اسلام در خارج از جغرافیای اسلامی می‌باشد. جهاد بر صنعت جنگی استوار است، هرگاه بر دولت‌های کافر اعتماد شود بدون آنکه توجه بر تقویت صنایع سنگین در برابر هر نوع تجاوز و تهدید صورت گیرد به این معناست که هدف اصلی جهاد معطل قرار داده شده‌است. چنانچه در عصر حاضر چه کفار استعمارگر و چه هم حاکمان فریب خورده در سرزمین‌های

اسلامی چهره واقعی جهاد را مختل کرده‌اند.

با توجه به این نخست باید به ازدیاد صنایع سنگین برای تولید صنعت ماشین‌آلات که لازمه‌ای جهاد است، توجه صورت گیرد پس از آن بر تقویت دولت مبتنی بر پیشرفت و جلوگیری از هر نوع تهدید بیرونی دست بکار شد. این یگانه راه می‌باشد که استحکام و ثبات دولت و پیشرفت مردم را در قابل دارد. ثانیاً تدارک نظامی برای آمادگی جنگ با کفار جهت رسانیدن دعوت اسلامی بر بالای مسلمانان فرض است، و این تدارک و آمادگی مطلوب بر هراسانیدن و ارهاب انداختن در دل دشمن می‌باشد. اما اگر چنین امکانات نزد مسلمانان وجود نداشته باشد، و یا مسلمانان به ویژه حاکم مسلمان بر این امر توجه جدی نداشته باشد، نه تنها این که تطبیق احکام تحقق نخواهد یافت بل هیچ نوع پیشرفتی در میان مردم بوجود نخواهد آمد.

بنابراین معنای و مفهوم هراسانیدن و ارهاب دشمن در اسلام به معنای تقویت زیربنای صنعت و انقلابی صنعتی می‌باشد. چنان‌که الله سبحانه و تعالی بر این امر تأکید نموده می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ
وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾ [انفال: ۶۰]

و آنچه از نیرو در توان دارید؛ برای (مقابله با) آن‌ها [دشمن] آماده سازید، و از اسبان بسته (ورزیده، مهیا کنید) تا به وسیله آن دشمن الله و دشمن خود را بترسانید، و (هم‌چنین) دشمنان دیگری غیر از آن‌ها را که شما نمی‌شناسید و الله آن‌ها را می‌شناسد (بترسانید) و هر چیزی را که در راه الله سبحانه و تعالی خرج می‌کنید، (پاداشش) به تمام و کمال به شما داده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد.

هم‌چنین قاعده فقهی مشهور داریم: «چیزی که منجر به تطبیق واجب (فرض) شود همانا

خود آن نیز واجب می‌گردد.» بناً صنایع سنگین و ایجاد ماشین‌آلات نیز برای مسلمانان و دولت اسلامی از مهم‌ترین فرض است.

ایجاد صنایع سنگین و کارخانه‌جات نه تنها این‌که بالای بیت المال فرض است، بلکه بالای مسلمانان نیز فرض می‌باشد. بنابراین فراهم ساختن صنایع تنها توسط بیت المال کفایت نمی‌کند، بلکه باید مسلمانان در امر وارد نمودن و تجارت آن دولت اسلامی را همکاری نمایند. علاوه بر آن دولت بالای اغنیای مسلمان این را فرض ساخته است که به مقدار مورد نیاز مصارف جنگی دولت، پرداخت پول توسط مردم را افزایش دهد و اغنیای مسلمانان مصارف آن را بخاطر برپایی صنایع سنگین توسط دولت برای دفاع از مسلمانان و قلمرو دولت اسلامی پرداخت نمایند.

این از ناحیه تجارت برای سرعت بخشیدن در روند صنعتی سازی بود که امروزه تمام سرزمین‌های اسلامی به ویژه خاور میانه عاری از صنایع سنگین و ماشین‌آلات مورد نیاز برای حمایت از منابع و ارزش‌های اسلامی می‌باشد. بر عکس این کشورها تمام صنایع و ماشین‌آلات مورد نیاز خود را از امریکا و اروپا وارد می‌کنند. جالب این‌که اکثر صنایع و ماشین‌آلاتی که وارد سرزمین‌های اسلامی می‌شود استهلاکی و دست دوم و سوم می‌باشد که غرب انواع پیشرفته‌تر از آن را تولید نموده و اما تولیدات استهلاکی دست دوم و سوم را بر حاکمان سرزمین‌های اسلامی در برابر پول گزاف به فروش می‌رساند.

از این رو دست بکار شدن با صنایع سنگین در سرزمین‌های اسلامی از یک طرف باعث بدست آوردن این بازار و مارکیتهای پر منفعت می‌شود و از طرف دیگر ما را از دست‌درازی کشورهای دیگر رهایی کامل می‌بخشد؛ البته در صورتی‌که ما چنین انقلابی را برپا نمایم. علاوه بر آن خرید صنایع و ماشین‌آلات خارجی هزینه زیادی را داراست که به نرخ بلند به ما فروخته می‌شود. اگر ما دست به چنین انقلاب بزرگ بزنیم با در نظر داشت نفت، منابع طبیعی فراوان و نیروی بشری پُر انرژی و جوان که داریم به آسانی می‌توانیم از این امکانات

دست آوردهای بزرگی را در میان بشریت از آن خود سازیم تا این که محتاج به صنایع دست دوم و سوم اروپا و امریکا باشیم.

در این جا تنها برای ضرورت بر صنعت و ماشین آلات دلایل فوق را یادآور شدیم نه بخاطر اسباب دیگر، از این رو بر دولت اسلامی فرض است که برای تحقق و رسیدن به سیاست معین اقتصادی که ممکن است سرزمین های ما را به سرزمین های صنعتی مبدل گرداند، دست یازد. این مهم نیست که احتمالاً نتیجه این سیاست در کوتاه مدت مفاد داشته باشد و یا خساره؛ هم چنین مهم نیست که احتمالاً نتیجه اش رونق بازار باشد و یا بر عکس آن، بل مهم آن است که سیاست فوق برای دولت اسلامی فرض می باشد تا مسلمانان در برابر دشمنان شان از دست بالایی برخوردار شوند. از این رو ایجاد صنعت، کارخانه جات و ماشین آلات از نیازهای مهمی می باشد که آغاز انقلاب صنعتی را رقم می زند.

سرزمین های اسلامی	مقدار	سرزمین های اسلامی	مقدار
عراق	۳۹۰۸ میلیون تن	عربستان سعودی	۲۰۳ تن (۳۲۰ گرام تن)
سوریه	۱۴۰ میلیون تن	الجزایر	۰,۰۹ تن (۱۲۵ گرام)
مصر	۵۲۵ میلیون تن	مراکش	۱۰۶ تن (حد پائین ۱۳۰ گرام تن)
سودان	۶۰ میلیون تن	موریتانیا	۰۰۱۸ تن (۳۷ گرام تن)
مراکش	۹۹۰ میلیون تن	عراق	۱۲۰ تن (۱۳۰ گرام تن)
موریتانی	۲۵۰۰ میلیون تن	سوریه	۰۰۲۰۰ تن (۱۱۰ گرام تن)
تونس	۷۵ میلیون تن	مصر	۳۱۰ تن (۹۵ گرام تن)

لیبیا	۳۵۲۵ میلیون تن	سومالی	۲۰۲ تن (۸۰۰ گرام تن)
الجزایر	۳۵۲۵ میلیون تن	تونس	۰۰۰۵ تن (۸۰ گرام تن)

سرب		کبریت	
مقدار	سرزمین‌های اسلامی	مقدار	سرزمین‌های اسلامی
۱۰۷ میلیون تن	مصر	۷۰ میلیون تن	سعودی
۱ میلیون تن	الجزائر	۹۶ میلیون تن	مصر
۴۵ میلیون تن	مراکش	۵۰۰ میلیون تن	مراکش

فاسفور		مگنزیوم	
مقدار	سرزمین‌های اسلامی	مقدار	سرزمین‌های اسلامی
۶۲۴ میلیون تن	سوریه	۷۰۵ میلیون تن	سوریه
۱۰۳۸ میلیون تن	اردن	۷۰-۲۰۰ میلیون تن	مصر
۷۹۵ میلیون تن	تونس	۳۰۰-۳۶۰ میلیون تن	سودان
۲۰۵ میلیون تن	الجزائر	۶۰۰ میلیون تن	الجزائر
۱۳۱۷۵ میلیون تن	مراکش	۴۲۰۰ میلیون تن	مراکش

فلزات گرانبها		جست	
مقدار	سرزمین‌های اسلامی	مقدار	سرزمین‌های اسلامی
۱۲۹۰۰ هزار تن (۹ طلا ۶۰ نقره)	سعودی	۲۰۵ میلیون تن	مصر

سعودی	۱۵ میلیون تن	سودان	۴۵۰ هزار تن (۱۲ طلا: نقره)
تونس	۲.۵ میلیون تن	الجزائر	۱۸۰۰۰ هزار تن (۰.۴ طلا: نقره)
الجزائر	۸ میلیون تن	مراکش	۹۸۰ هزار تن (۳ طلا: ۱۱۰ نقره)
مراکش	۱۵ میلیون تن	موریتانی	۵۰۰۰ هزار تن (۲.۵ طلا: ۲ نقره)
پتاس		مس	
سرزمین‌های اسلامی	مقدار	سرزمین‌های اسلامی	مقدار
اردن	۲۰۰۰ میلیون تن	اردن	۱۰۰ میلیون تن
لیبیا	۷۰۵ میلیون تن	سعودی	۲۸ میلیون تن
تونس	۴۰ میلیون تن	عمان	۱۱ میلیون تن
مراکش	۲۵۰ میلیون تن	مصر	۱ میلیون تن
نفت شیل (صخره‌های روغنی)		سودان	۹ میلیون تن
سرزمین‌های اسلامی	مقدار	مراکش	۷ میلیون تن
اردن	۱۳۰ میلیون تن (۱۰٪)	موریتانیا	۱۹ میلیون تن
مراکش	۹۰۰۰۰ میلیون تن (۸.۵٪)		

سرزمین‌های ما با تمام آنچه که در انقلاب صنعتی ضرورت است داراست. کثرت مواد خام به شکل کافی جهت ایجاد صنایع سنگین؛ رهبری جهان برای سعادت‌مندی مسلمانان، نه غصب کردن ثروت‌های و ریختاندن خون آن‌ها، چنان‌که دولت‌های صنعتی و پیشرفته فعلی بر اساس نظام سرمایه داری چنین سیاست‌های را به پیش می‌برند.

در این‌جا لازم است تا به ذکر برخی از معادنی که از زیر زمین بدست می‌آید و نیز در

سرزمین‌های اسلامی وجود دارند را نام بگیریم. با در نظر داشت این‌که بسیاری از این مواد در برخی از سرزمین‌های اسلامی وجود داشته که تا هنوز دست نخورد باقی مانده‌است. چنان‌چه دریای اردن پر از مواد محلول در آب را دارا می‌باشد که می‌تواند در بسیاری از صنایع داخلی بکار رود. بگونه‌ی مثال دارای دو هزار میلیون تن پوتاشیم کلوراید می‌باشد که در ساخت باروت بکار می‌رود. هم‌چنان ۲۲ هزار میلیون تن مگنیزم کلوراید را در خود جا داده‌است که در ساخت‌وساز هواپیما، فلزات و نیز در مواد اولیه در صنایع شیمیایی بکار می‌رود. گفته می‌شود نزدیک به ۹۸۰ میلیون تن مگنیزم برومنید در آن وجود دارد که در ساخت‌وساز بمب‌ها، تصفیه و استخراج نفت و نیز در ساخت هواپیما استفاده می‌شود. این تنها در رابطه به مواد خام موجود در برخی از بخش‌های از سرزمین‌های اسلامی بود، درحالی‌که منابع انرژی از جمله نفت در عصر حاضر به عنوان طلا سیاه معروف است که در سطح جهان سرزمین‌های اسلامی بیشترین آن را در خود جا داده‌است. در این‌جا بگونه‌ی مقایسه‌ی کشورهای بزرگ غربی صادر کننده نفت را با سرزمین‌های اسلامی مقایسه می‌نمایم که قرار ذیل است:

کشورهای غربی

- کشورهای اروپای شرقی ۲۰٪
- امریکا و اروپای غربی ۱۵٪
- سازمان اوپک (مجموعه‌ی کشورهای صادر کننده نفت که در آن کشورهای عربی مسلمان نیز سهم دارند) ۶۵٪

سرزمین‌های اسلامی

- عربستان سعودی ۲۲٪
- سرزمین‌های خاور دور و نزدیک ۲۹٪
- متباقی کشورهای صادر کننده نفت ۱۴٪

با آنکه مقدار ذخیره نفت ثابت شده تا هنوز نزدیک به هزار میلیارد بشکه می‌رسد، بنابر این سرزمین‌های اسلامی از منابع انرژی و مواد خام لازم برای صنعت غنی بوده‌است. هم‌چنان سرشار از اشخاص با مهارت و حرفه‌ای می‌باشد که قادر اند دولت را بر اساس صنعت بنا کرده و کشورهای قدرت‌مند جهان را در تسلط خود در آورند؛ به شرط این‌که کار خالصانه و به شکل احسن صورت گیرد. با این حال باید نهایت کوشش خود را به خرج دهیم تا این‌که چنین رویکردی که از مهم‌ترین فرایض به شمار می‌رود، به انجام برسد.

غرب متوجه است که پیشرفت دولت صنعتی بدون رجوع و آغاز از ماشین‌آلات ممکن نیست. غرب با درک این هدف طریقه استعماری خورد را بر سایر کشورها طرح نموده‌است که کشورهای عقب مانده در راستای صنعتی شدن دنباله‌رو آن‌ها باشند تا اینکه بازار صنعت را خود شان تصرف نماید، تا در منطقه نفوذ و تسلط دراز مدت خود را حفظ نماید. این از جمله اسالیبی خبیث می‌باشد که در سرزمین‌های ما روی دست گرفته‌اند تا ما از دیدگاه صنعتی شدن به عقب برگردیم و نتوانیم که به پای خود ایستاده شویم. در این جا برخی از موارد ذیل را که غرب علیه مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی بکار می‌برد یک به یک بر می‌شماریم:

۱- پژوهش و مطالعات جهت قناعت اشخاص تصمیم‌گیرنده و حامیان غرب در سرزمین‌های ما و نیز فریب دادن آن‌ها که صنعتی شدن یا تکمیل صنعت به مراحل زیادی ضرورت دارد که برای بسیاری‌ها دشوار است. چنان‌چه پروفیسور «رستو» در کتاب خود «المثیر» تحت عنوان «مراحل توسعه اقتصادی» در سال ۱۹۶۰ نشر کرده‌است که در آن چنین آمده‌است: «جامعه باید از مرحله جامعه سنتی عبور کند تا به مرحله سرعت و پیشرفت برسد. عبور از مرحله سرعت و پیشرفت منتج به مرحله نضج و پختگی می‌شود. با عبور از مرحله نضج و پختگی به مرحله مصرف بالاتر رسیده که این قبل از رسیدن به مرحله صنایع سنگین است. هر مرحله‌ای از این مراحل شرایط خود را دارا می‌باشد که زمان زیادی را برای تکمیل دولت که می‌خواهد صنایع سنگین را آغاز کند در بر می‌گیرد.»

آن‌ها روش‌های را برای رسیدن به صنایع سنگین وضع می‌کنند که چندین دهه را در بر

می‌گیرد. هدف اساسی کتاب فوق و مثال که آورده شد تنها برای فریب دادن و جلوگیری از انقلاب صنعتی چیزی دیگری نیست. پس کسی که به چنین باورها قناعت می‌کند مجبور بوده که مراحل طولی را بپیماید؛ به این معنی که مردم را مصروف نگهداشته تا از انقلاب صنعتی جلوگیری نمایند.

این پژوهش نشان می‌دهد که آنان می‌خواهند جهان را برای حفظ بازار پر مصرف خود آماده سازند که از آن نتیجه گرفته و تحقق مصالح شان تأمین شود، و این چیزی است که «یوجین» رئیس اسبق بانک بین المللی بازسازی و توسعه در کتاب خود تحت عنوان «سیاست‌های توسعه اقتصادی» به صراحت بیان کرده‌است. چنان‌چه پیشنهادی را در کتاب مذکور مطرح می‌کند که کمک‌های اقتصادی همانا ابزار اصلی برای حفظ فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی غرب بوده که جهان را در حالت عدم توسعه اقتصادی نگه‌داشته باشد!

۲- عدم اجازه انتقال تکنالوژی به کشوری عقب‌مانده، مگر کشوری که خواهان انتقال تکنالوژی بوده توانایی ورود محصولات غربی و استعمال آن را داشته‌باشد. بگونه مثال محلی که برق در آنجا پیدا نمی‌شود نمی‌تواند که در آنجا یخچال و فریزرهای برقی را وارد کنند، ولو این‌که قادر به خرید آن را هم داشته‌باشند. بدین اساس ابتدا در آنجا باید برق گسترش داده شود- ولو که منجر به قروض از دولت‌های صنعتی شود- و بعد وسایل برقی وارد گردد. این وضعیت کشورهای عقب‌مانده و جهان سوم می‌باشد که غرب در چنین وضعیت آن‌ها را نگهداشته‌است. آن‌ها انجیران و اشخاص را می‌خواهند که تنها مهارت روشن کردن و استفاده تجهیزات صنعتی تولید شده‌ای غرب را داشته‌باشند نه چیزی بیشتر از آن. بنابراین غرب به چنین همکاری‌های علمی و انتقال تجربه و تخصص در فن تکنولوژی در این حالات ممانعت نمی‌کند، اما به هیچ وجه نمی‌گذارد مردمان کشورهای عقب‌مانده، به ویژه مسلمانان ظرفیتی را در خود پیدا کنند که به تولید صنایع سنگین بپردازند.

۳- اشغال سرزمین‌های اسلامی با انواع منابع که دارد، مصرف کردن و بکار گرفتن انرژی و نیز مصروف ساختن ما به انواع مختلف؛ در حقیقت غرب حاکمان مسلمان را در

انواع از عیاشی و خوشگذرانی مصروف ساخته تا از جهد و تلاش در ایجاد صنایع سنگین جلوگیری نموده باشد، و حتی نمی‌خواهد مسلمانان توانایی متوسط را در راستای صنعتی شدن داشته باشند. این از جهت ساختار صنایع در سرزمین‌های اسلامی که اکثراً به صنایع استهلاکی (۶۱ درصد در برابر ۳۹ درصد) استثمار می‌شویم واضح و روشن است. چنانچه صنایع استهلاکی اکثراً در مواد غذایی، لباس، چرم و لوازم جانبی آن‌ها بکار برده می‌شود، و صنایع متوسط اکثراً به شکل محدود در محصولات شیمیایی، به خصوص نفت بکار می‌رود. سرمایه‌گذاری عمدتاً در صنایع فولاد و المونیم صورت می‌گیرد، تا جایی که حتی صنایع متوسط عمدتاً از صنایع قیمتی به شمار می‌روند، چنانچه مواد صنعتی در خارج از کشور تولید شده و سپس به امتیاز صنعتی که توسط کمپنی‌های که در خارج ساخته شده خریداری می‌شود؛ مانند: ادویه‌جات، ماشین‌آلات الکترونیک... و یا هم خریداری موتورها به امتیاز شرکت‌هایی که مرکز اصلی آن در غرب می‌باشد. طوری که امروز در بسته بندی صنعت موتر به آن گرفتار هستیم.

۴- ایجاد الگوی صنعتی جدید در سرزمین‌های اسلامی تحت نام صنعت متقابل که از سرزمین‌های ما می‌دزدند و تنها در سرزمین‌های ما کارخانه‌های بسته بندی را فعال می‌سازند. به عنوان مثال در بحرین شرکت‌های المونیم سازی یافت می‌شود که حکومت با مصالح و منافع متعدد خارجی در سرمایه آن شریک است. این شرکت‌ها مواد خام را از استرالیا برای این که بحرین در قبضه آن باشد وارد می‌کند تا به گازهای طبیعی وافر که در بحرین وجود دارد دست یابند. آنان هرگز به انتقال آنان کوشش نمی‌کنند مگر به هزینه بسیار بلند. در سایر کشورها وضعیت از این هم بدتر است.

به این شکل تولید المونیم خالص به هدف صادرات به کشورهای خارج صورت می‌گیرد و مقصد از آن این است که کشورهای غربی می‌خواهند ماده المونیم صنعتی که قیمت آن بسیار ارزان است آن را بدست بیاورند که برخی از این پروژه‌ها و امثال آن در عربستان سعودی نیز وجود دارد.

این برخی از نقشه‌ها، تحقیقات و پروژه‌های است که غرب برای جلوگیری از پیشرفت صنعتی سرزمین‌های اسلامی آن را طرح و راه اندازی کرده‌است. هدف عمده غربی مانع شدن دسترسی مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی به صنایع سنگین (ثقیله) که شامل صنعت ماشین‌آلات ساخته شده از آهن و فولاد و هم‌چنین ساخت موتورها و هواپیماها و نیز صنایع برقی و صنایع هسته‌یی به شمول سلاح‌های اتمی و صنعت فضاوردی و امثال آن گردیده‌است تا در میان مسلمانان دولت پیشرفته‌ای صنعتی روی کار نشود.

در این جا باید متذکر شد که در انقلاب صنعتی سرزمین‌های اسلامی، دو مسئله باید پیوسته در نظر گرفته شود:

نخست، این که صنعتی شدن واقعی به معنی انقلاب بر علیه نفوذ بیگانگان می‌باشد. با این حساب یکی از مسایل مهم مسئله سیاسی است که هرگز نمی‌توان بدان پرداخت مگر این که آن بر اساس فکر و عقید استوار شده و توسط رهبر واحد سیاسی و هوشیار به پیش برده شود که آن اساس فکری و عقیدوی همانا اسلام می‌باشد که رهبر سیاسی باید بر مبنای آن برگزیده شود تا مسلمانان را به بیداری بزرگ برساند، تا باشد که سرزمین‌های اسلامی زیر چتر دولت خلافت باهم به وحدت برسند. به این ترتیب نیروی بشری لازم و مواد اولیه‌ای مورد نیاز و منابع انرژی در آن دولت واحد و یک پارچه فراهم شده منسجم بکار انداخته شود. از این رو وحدت سرزمین‌های مسلمانان گذشته از این که یک فریضه حتمی است، یکی از نیازهای صنعتی شدن نیز به شمار می‌رود.

دوم، این که صنعت باید بر مبنای صنایع جنگی استوار گردد؛ این بدین معناست که صنعت جنگی باید گذشته از سایر بخش‌های صنعتی، اساسی‌ترین هدف صنایع سنگین می‌باشد. در این جا متذکر باید شد که دولت بدون صنعت جنگی، حتی اگر در سایر بخش‌های صنعتی دیگر پیشرفت داشته‌باشد در عرصه‌های بین‌المللی و سیاست جهانی بی تأثیر خواهد بود. نمونه زنده آن را می‌توان در کشورهای هم‌چون آلمان و جاپان مشاهده نمود که پس از جنگ اول و دوم جهانی صنعت جنگی شان را محدود ساختند.

این را هم نباید از نظر دور انداخت که در اسلام صنایع سنگین هرگز از صنعت جنگی جدا نمی‌باشد، بلکه اساس آن به شمار می‌رود؛ زیرا این صنعت از نیازها و لوازم اساسی جهاد می‌باشد، جهادی که خود بلندترین قلهٔ اسلام خوانده شده‌است. بنابر این عرصهٔ صنعت در نظام حکومت‌داری اسلام به دلیل جهاد از اهمیت و جایگاه ولایی برخوردار است.

پس از آن‌که چگونگی صنعتی ساختن دولت را بیان کردیم و این‌که گفته شد کار باید بر اساس صنایع سنگین آغاز شود، شاید چنین پرسشی مطرح گردد که هرگاه سیاست صنعتی این باشد که سرزمین‌های اسلامی، سرزمین‌های صنعتی گردد، به این معنی که تمام تلاش در ابتدا روی احداث صنعت ماشین‌آلات متمرکز گردد تا این‌که پس از بوجود آمدن ماشین‌آلات، صنایع مصرفی و استهلاکی نیز در پیوند به آن ساخته شود، در این صورت با صناعی‌گی که در حال حاضر در سرزمین‌های اسلامی وجود دارد چه کنیم و هم‌چنین با صناعی‌گی که سیاست اقتصادی آن را الزاماً ملکیت دولت قرار می‌دهد، مانند استخراج «نفت» چه باید کرد؟

در پاسخ به چنین پرسشی باید گفت که سرزمین‌های اسلامی به صورت کل سرزمین صنعتی نیست، پس در حال حاضر یکی از صنایع سنگین و یا صنعتی که طیف وسیعی از صنایع مربوط و وابسته به آن را تشکیل دهد نیز در آن‌ها وجود ندارد، آن‌چه وجود دارد تنها برخی از صنایع ابتدایی، ساده و متفرقی است که اینجا و آنجا احداث گردیده‌است.

بیشترین کارخانه‌جات جدید و برجسته‌یی که تاکنون در سرزمین‌های اسلامی ساخته شده‌است کارخانه‌جات مصرفی می‌باشد. این کارخانه‌جات هم‌چنان که هست به کار خویش ادامه خواهد داد، و در این عرصه کارهای بیشتر انجام نخواهیم داد. الزاماً به همین اندازهٔ موجود اکتفاء کرده و راه‌کار خویش را به طور ناگهانی به جانب ساختن و راه اندازی صنعت تولید ماشین‌آلات سنگین تغییر دهیم، اما تغییر راه‌کار به این معنی نیست که دروازه‌های واردات را ببندیم، زیرا چنین موقفی بر اساس سیاست اقتصادی اسلام جایز نیست؛ به دلیل این‌که اتباع دولت اسلامی حق دارند هرچه را می‌خواهند از داخل و یا هم خارج قلمرو دولت اسلامی خریداری کنند، البته جز آن‌چه که بر مسلمانان ضرر وارد نماید؛ بلکه هدف از تغییر

راه کار همانا راه اندازی صنعت تولید ماشین آلات برای تولید و صنعتی سازی سنگین می باشد. این جاست که به گونه طبیعی مردم کالاهای با کیفیت مورد نیاز شان را از کارخانه جات داخلی تهیه نموده و دروازه ورود کالاهای خارجی بی کیفیت و گران قیمت را به گونه طبیعی و بدون نیاز به ممانعت دولت، بسته خواهد نمود.

و اما صنعتی که سیاست اقتصادی الزاماً آن را ملکیت دولت قرار می دهد، تملیک آن برای افراد واجب نیست. این به معنی آن است که افراد حق ندارند آن را به ملکیت خود در آورند. به عنوان مثال صنعت استخراج آهن از جمله صنعتی است که در ملکیت دولت قرار دارد، زیرا چنین صنعتی از جمله ملکیت عامه به شمار می رود، اما ملکیت آن به این معنی نیست که دولت کارخانه جات استخراج آهن را خریداری کند، بلکه به این معناست که چنین کارخانه جاتی ملکیت افراد نمی باشد. مسئله مهم دیگر این که هرگاه دولت امکانات ملکیت آن را پیدا نماید آن را به ملکیت خود در می آورد. بر اساس سیاست اقتصادی در اسلام، دولت حق ندارد از آن چه در ملکیتش قرار دارد کارخانه جات بسازد، مگر زمانی که برای ساخت کارخانه جات تولید ماشین آلات، دیگر چاره‌یی وجود نداشته باشد.

بنابر این کارخانه جاتی که در حال حاضر در سرزمین های اسلامی وجود دارند؛ مانند: استخراج و پالایش نفت، گاز و سایر مواد با ارزش دیگر، تمام این کارخانه جات باید به کار شان ادامه دهد، البته بدون گسترش دادن آن و یا ساختن کارخانه جات جدید، بلکه در مورد آن چه که تاکنون استخراج نشده است الی ساخت و تولید ماشین آلات آن منتظر خواهیم ماند و آنگاه به استخراج مواد معدنی و نفت از معادن و چاه های جدید توسط ماشین آلاتی که خود مان ساخته ایم خواهیم پرداخت.

آن گونه که بیان کرده شد، سیاست صنعتی شدن در اسلام فرض می باشد و ادای هر فرضی واجب است؛ از این رو دولت اسلامی قبل از این که توسط دسیسه گران پس از جنگ اول جهانی سقوط داده شد، این فریضه را ادا می نمود. بدون این که از واقعیت صنعت در زمان

حاکمیت خلافت چیزی بگوییم، ادعا می‌کنیم که دولت اسلامی فریضه سیاست صنعتی شدن را ادا نموده است؛ زیرا این سیاست بر دولت و امت فرض می‌باشد، با وجود آن هم من به سه نمونه از توانایی‌های صنعتی دولت اسلامی در اوایل، اواسط و اواخر آن اشاره می‌کنم:

۱- زمانی که پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم به مدینه منوره هجرت نمود و در آنجا دولت اسلامی را بنا نهاد. با وجود آنکه نوعیت اسلحه در آن زمان بسیار ساده و ابتدایی بود و خریداری آن ممکن، اما پیامبر صلی الله علیه وسلم پیوسته مسلمانان را تشویق می‌نمود تا صنعت سلاح سازی را - حتی از کفار- بیاموزند. هنوز اوایل سال هشتم هجری بود که وی صلی الله علیه وسلم توانایی آن را پیدا نمود تا قلعه‌های طائف را با منجنیق هدف قرار داده و آن را فتح کند.

این نوع سلاح (منجنیق) در آن زمان از جمله سلاح‌های سنگین به شمار می‌رفت، و مسلمانان صنعت تولید آن را فرا گرفته شروع به ساختن آن نمودند. «واقدی» در سیرت اش «مغازی» در خصوص محاصره طائف توسط رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین روایت کرده است: «رسول الله صلی الله علیه وسلم با اصحابش مشوره نمود، سلمان فارسی به وی صلی الله علیه وسلم گفت: ای رسول الله! نظر من این است که بالای قلعه‌های شان منجنیق برپا کنید، زیرا وقتی ما در سرزمین فارس بودیم (در هنگام جنگ) بر قلعه‌ها منجنیق برپا می‌کردیم و دشمنان ما نیز بر ما منجنیق برپا می‌کردند و به این ترتیب ما بر آنان پیروز می‌شدیم و آنان بر ما. باور من این است که اگر منجنیق برپا نکنید این محاصره طولانی خواهد شد. به دنبال آن رسول الله صلی الله علیه وسلم فوراً دستور ساخت منجنیق را داد و خودش علیه السلام با دستان مبارکش منجنیق ساخت، سپس آن را به طرف قلعه‌های طائف هدف گرفته از آن در شکستن محاصره آن قلعه‌ها استفاده نمود. هم چنین گفته شده است که: حضرت خالد بن سعید وقتی از «جرش» می‌آمد با خود یک منجنیق و دو دبابه آورد. جرش منطقه‌ای است که در یمن و در ساخت سلاح سنگین آن زمان (منجنیق) شهرت داشت.

۲- دولت اسلامی در زمان خلافت عباسی و دقیقاً در عهد هارون الرشید برای برجسته‌ترین و مشهورترین پادشاه اروپا (شارلمان) یک ساعت هدیه داد، و وقتی این ساعت در دفتر کارش صدا می‌داد، اطرافیانش گمان می‌کردند که در داخل آن جنیات قرار گرفته‌است؛ تاجایی که برخی از آنان با شنیدن آن صدا فرار کردند! چنان بود اوضاع صنعتی مسلمانان و چنین بود واقعیت سایر ملت‌ها.

۳- در عصر خلافت عثمانی به ویژه در زمان «محمد فاتح» شخصی به نام «اوربان» که یکی از مخترعین ابزار جنگی بود، تولیدات نظامی اش را برای پادشاهان اروپا به نمایش گذاشت، اما پادشاهان اروپا به آن توجه و اعتنایی نکردند؛ تاجایی که حتی پاپ و روحانیون کلیسا این کارش را ارتداد تلقی نمودند. وقتی محمد فاتح از این مسئله باخبر شد آن را جدی گرفت و آن مرد را اکرام کرده و مال فراوانی در اختیارش گذاشت تا تولیداتش را گسترش دهد. فاتح کار و نوآوری‌هایش را ادامه داد تا آن‌که شروع به طراحی توپ‌های سنگین نمود. یکی از بزرگ‌ترین توپ‌هایی که وی ساخته بود ۷۰۰ تن وزن داشت، و وزن گلوله اش به ۱۲ هزار پوند می‌رسید که توسط صد گاو نر و با کمک صد تن از نیرومندترین مردان جابجا می‌شد. صدای شلیک این توپ از فاصله ۱۳ میل به گوش می‌رسید و گلوله اش مسافت یک میل را هدف قرار می‌داد و به عمق شش قدم، زمین را سوراخ می‌نمود.

هرچند برخی از مراجع اوصاف این توپ را به گونه‌ی دیگری روایت می‌کنند، اما ابتکار و ساخت چنین سلاحی در بیشتر از پنج قرن قبل، و در زمان خلافت عثمانی، خود دلیل روشنیست بر جلال و جبروت سلطان اسلام و توجه ویژه اش به صنعت سنگین. لازم به ذکر است که محمد فاتح در ۲۰ جمادی الأول سال ۸۵۷ هجری که برابر می‌شود با ۲۹ می سال ۱۴۵۳ میلادی از این توپ در شکستن دیوارهای قسطنطنیه مرکز امپراتوری روم شرقی استفاده نموده‌است.

برادران مسلمان!

ما در گذشته برای گسترش و پیشرفت صنعت همواره سرگرم طراحی و اجرای طرح‌های بودیم که واقعیت‌شان چنان بود که سایر دولت‌ها دنباله‌رو دولت مسلمانان بودند، نه این‌که دولت اسلامی دنباله‌رو آنان بوده و وابسته به صنایع دولت‌های کافر و بیگانه بود. مسلمان در چارچوب دولت اسلامی پیوسته با کسانی که دانش و توانایی صنعتی داشتند قرار دادها بسته از آنان استفاده می‌نمود، نه تنها با صنعت‌کارانی که از جمله رعیت دولت اسلامی بودند، بل زمانی که در مورد یک دانشمند در بیرون از سرزمین‌های اسلامی باخبر می‌شدند، فوراً او را دعوت نموده و با وی قرار داد بسته می‌نمودند، چنان‌چه دولت‌های پیشرفته امروز نیز این کار را می‌کنند.

دولت اسلامی این شأن و شوکت‌اش را هم‌چنان حفظ نمود تا آنکه اسلام در دل‌ها ضعیف شد و دسیسه‌گران بر علیه آن شروع به نیرنگ و دسیسه نمودند و سرانجام پس از جنگ اول جهانی خلافت را نابود کردند.

به دنبال آن دولت‌های کافر استعمارگر با ترسیم نقشه‌ها و اسالیب مکارانه خویش از صنعتی شدن سرزمین‌های مان جلوگیری نمودند تا به این وسیله سیطره و حاکمیت خویش را بالای ما حفظ نمایند. کفار موفق شدند تا یک تعداد افراد تربیه شده‌شان را به صفت حاکم و سرمایه‌دار بر سراسر سرزمین‌های مسلمانان مسلط کنند تا فعالیت‌های صنعتی و سیاسی را با جهت دهی و راهنمایی‌های دولت‌های غربی به پیش ببرند، دولت‌های غربی که همواره در تلاش اند مانع ورود صنایع سنگین به دولت‌های جهان سوم، مخصوصاً سرزمین‌های اسلامی شوند با استفاده از منابع اولیه شان این دولت‌ها پیوسته دنباله‌رو و بازار مصرفی کشورهای غربی باقی بمانند، و فرصت این را پیدا نکنند تا به عنوان رقیب جهانی عرض اندام نمایند.

ای برادران!

اگرچه سران فعلی سرزمین‌های اسلامی پذیرفته‌اند تا در سیاست، قانون‌گذاری، اقتصاد، صنعت و سایر امور شان پیرو دولت‌های غربی باشند، اما زمانی که دولت خلافت بر منهج نبوت برپا شود، نه تنها تلاش خواهد نمود تا دنباله‌روی غرب را رها کند، بلکه کوشش خواهد کرد تا دولت نخست و اثرگذار جهان شود. این دولت صنایع سنگین (ثقلیه) را به زودترین فرصت ممکن وارد خواهد نمود و این کار در اولویت‌های کاری اش قرار خواهد داشت. البته این بدان معنی نیست که این سیاست تا برپایی خلافت نایده گرفته شده و به تأخیر افتد، زیرا برپایی حاکمیت قانون الله سبحانه و تعالی در یک سرزمین صنعتی، توانایی دولت را افزایش داده و زمان لازم را تا دستیابی به صنایع سنگین در دولت خلافت کوتاه‌تر خواهد کرد. با توجه به این، از فرد فرد مسلمانان غیور و مخلصی که در برابر امت خویش احساس مسؤلیت می‌کنند و توانایی مشارکت در روند صنعتی ساختن این امت را دارند، دعوت می‌کنیم تا سهم و مسؤلیت خویش را در این عرصه ادا کنند تا باشد که امت اسلامی به کاروان دولت‌های پیشرفته صنعتی جهان پیوندد.

این فراخوان متوجه تمام کسانی است که یاد شدند و نیز متوجه هر فرد دیگر است که به نحوی می‌تواند در این روند سهم بگیرد، چه حاکم باشد و چه هم رعیت. هم‌چنین این فراخوان متوجه هر مسلمانی می‌باشد که الله متعال برایش توانایی علمی یا فهم تکنالوژیکی و یا توانایی مشورتی را داده‌است که شاید در یکی از عرصه‌های صنعتی که سرزمین‌های اسلامی بدان نیاز دارد، مفید واقع شود. سرانجام این فراخوان متوجه تک تک افراد یاد شده می‌باشد تا به سرعت و حتی با بیشترین سرعت ممکن، کار و تلاش کنند تا سرزمین‌های اسلامی را در مسیر دستیابی به صنایع سنگین قرار دهند.

برادران عزیز، ما به خوبی می‌دانیم که دولت‌های کافر استعمارگر و مزدورانی که بر سرزمین‌های مان مسلط گردانیده شده‌اند تا افکار و فرهنگ‌های شان را به پیش ببرند، با

تمام توان تلاش و کوشش می‌کنند-چنان‌چه در گذشته چنین کردند- تا از این کار جلوگیری نمایند. این را هم می‌دانیم که مردانی بیدار هم‌چون امت اسلامی، هرگز در برابر چنین تلاش‌های خصمانه عاجز نخواهد ماند، به شرط آنکه کار شان تنها و تنها برای رضای الله سبحانه و تعالی بوده و جد و جهد شان در خور مقام و منزلتی باشد که الله متعال برای آنها عنایت فرموده است. چنان‌که او تعالی می‌فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید، به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید و نیز به الله سبحانه و تعالی ایمان دارید

* * *

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين

مجموعه از کتاب‌هایی که تاکنون "حزب التحریر" به دست نشر سپرده است!

کتاب حزبی:

- منہج حزب التحریر
- معرفی حزب التحریر
- تکتل حزب التحریر
- مفاهیم حزب التحریر
- نظام اسلام
- شخصیت اسلامی (جلد اول)
- مسوده دستور (قانون اساسی) دولت خلافت
- مسوده دستور (قانون اساسی) دولت خلافت
- مشرح (جلد اول)
- نظام مالی دولت خلافت (اموال در دولت خلافت)
- نظام اقتصادی دولت خلافت
- نظام حکومت داری دولت خلافت
- نظام اجتماعی دولت خلافت
- مبادی نظام تعلیمی و تحصیلی دولت خلافت
- دولت اسلامی
- مفاهیم سیاسی
- نظریات سیاسی حزب التحریر
- ساختار دولت خلافت
- قضایای سیاسی
- نفسیه اسلامی
- سایر کتاب‌هایی که شباب "حزب التحریر" نوشته اند:
- برخورد فرهنگ‌ها
- ظهورِ نظم نوین جهانی
- نظام دفاعی و جنگی دولت خلافت
- مبادی سیاست صنعتی دولت خلافت
- مسوولیت حاکم و امت در دولت خلافت
- سیاست خارجی دولت خلافت
- نظام عقوبات دولت خلافت
- بحران اقتصادی و راه حل آن
- نظام پولی
- دیدگاه استراتژیک پیرامون رویدادهای احتمالی ۲۰۱۷
- بحران هستوی و راه حل آن
- بحران محیط زیستی (پدیده تغییرات اقلیمی و گرمایش زمین) و راه حل آن
- بحران آزادی و راه حل آن
- بحران تفکیر ساینسی و خلافت
- بحران هجرت و پناهندگی و راه حل آن
- احکام شرعی؛ شبیه سازی، پیوند اعضا، - سقط جنین و تلقیح مصنوعی

- تفکیر
- سرعت البدیهه
- خرافت
- برگشت خرافت
- فکر اسلامی
- استبداد خرافت
- طلب نصرت
- پاسخ خرافت
- افکار سیاسی
- ۱۰۰ پرسش در مورد خرافت
- خرافت چگونه نابود شد
- رد بر تمامی اتهامات علیه حزب
- احکام بینات
- مفاهیم خطرناک، بحران و راه حل آن
- بحران بازارهای مالی
- حمله امریکایی

نوشته‌های تاریخی پیرامون صفحات

درخشانِ امت اسلامی:

- دولت خرافت
- معرفی امراء ثلاثهٔ حزب التحریر
- امت و خرافت در صفحات تاریخ؛ ۱۷۹۵-
- پیمان امت
- امریکا به ولایت الجزایر دولت خرافت جزیه پرداخت.
- واجب امت
- امت و خرافت در صفحات تاریخ؛ ۱۹۱۶-
- سعی امت
- دولت خرافت بریتانیای کبیر را شکست داد.
- نهضت امت
- امت و خرافت در صفحات تاریخ؛ ۱۸۵۷-
- ندای امت
- نخستین حرکت بیدارگری (نهضت) در میان امت.
- جمهوریت و خرافت
- دموکراسی نظام کفر است
- کلام چندی درم ورد فضایل مردم سوریه (اهل شام)
- انتقال از بهار عربی به بهار اسلامی
- تصورات جیوپولیتیک
- نقش زنان در حمل دعوت به سوی خرافت
- چگونگی تنظیم زندگی فامیلی

اوبت پروډڪشن

Ummat Production